

جایگاه مدیریت شهری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



عبدالجلیل شریفی*
حشمت کشاورزی
علی رضا شاهرخیان
اسماعیل کشاورز

دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی
دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس
رئیس گروه آمار معاونت برنامه‌ریزی و توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی
مسئول حراست شهرداری لامرد

چکیده

دستیابی به الگوی مناسب مدیریت شهری یکی از چالش‌های جوامع بشری امروز است و هر جامعه‌ای بنا به اولویت‌ها و ضرورت‌های پیش روی خود در تلاش برای به‌روز رسانی الگوهای توسعه است. با توجه به ظهور مشکلات امروزی در شهرها همچون ناامنی، ترافیک، آلودگی، ازدحام، تراکم جمعیت، از خودبیگانگی و عدم تعلق و نیز از بین رفتن هویت شهرها در اثر کارکردگرایی و الگوبرداری‌های غربی ضرورت توجه به الگوهای نشأت گرفته از فرهنگ‌های سنتی، عرفی و مذهبی بیش‌ازپیش احساس می‌شود و این رویکرد راهکارهایی برای توانمندسازی هویت شهرهای امروز است. در کشور ما که از سابقه‌ی چند هزارساله در تمدن و فرهنگ برخوردار است و از طرفی در تلاش برای معرفی الگوهای اسلامی برای سایر کشورهای دنیا است توجه به هویت ملی و مذهبی بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. حال باید دید که چگونه می‌توان بر اساس فرهنگ و تمدن غنی ایرانی اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط امروزی الگوهای مناسب‌تری برای مدیریت شهری به وجود آورد. این مقاله به بررسی مدیریت شهری با توجه به الگوی اسلامی پیشرفت به روش تاریخی- تحلیلی پرداخته است. در الگوی اسلامی بر اصول حاکم بر مدیریت شهر اسلامی از جمله اصل‌های کرامت انسانی، امنیت، نظم سنتی شهر اسلامی، استحکام و استواری شهر، مکان‌یابی مناسب شهر، زیبایی، حفاظت از محیط‌زیست، مشورت در امور، حفظ حریم و... تأکید و سفارش شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، توسعه، شهر ایرانی، شهر اسلامی

۱- مقدمه

بررسی سوبه‌های مختلف شهرنشینی در اسلام از دیرباز مورد توجه بوده است؛ لیکن اطلاق عنوان شهر اسلامی به معنای امروزی را برای نخستین بار می‌بایست در قرون اخیر و به برادران ماری نسبت داد. در واقع پس از آنکه در قرن ۱۸ کارکردگرایی چون دورکیم به جامعه‌شناسی عنوان مورفولوژی اجتماعی را اطلاق کردند و به تبع آن اشلوتر جغرافیا را علم مورفولوژی چشم‌انداز نامید، توجه به عامل فرهنگی در شکل‌دهی به ساختارهای انسانی شدت گرفت. بر همین مبنا است که در بررسی ساختارهای شهری به‌عنوان پدیده‌های انسانی، فرهنگ و ایدئولوژی بسیار مهم است و عناوینی چون شهر اسلامی، شهر غربی، شهرهای صنعتی و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند. سابقه‌ی به وجود آمدن نظام مدیریت شهری در ایران تقریباً مصادف با تشکیل اولین شهرها در دوران ماد و سلسله‌ی پادشاهی هخامنشی در ایران است. با توجه به تحولات نظام‌های حکومتی از قبیل تغییر سلسله‌های پادشاهی و یا هجوم بیگانگان سیر تحول شهری در ایران دچار نقاط عطف متفاوتی شده است. بررسی روند شهرنشینی حاکی از توسعه‌ی فرآیند شهری شدن در کشور خصوصاً در یک‌صد سال اخیر است؛ به گونه‌ای که تعداد شهرهای ایران از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۸۰ شهر در سال ۱۳۹۴ رسیده است و این در حالی است که بیش از یک قرن از نظام‌مند شدن قانون بلدیة در ایران می‌گذرد؛ قانونی که الگوی اولیه‌ی آن از کشورهای غربی برداشته شد و پس از اصلاحات متعدد هنوز ردپای آن در قوانین مدیریت شهری کشور مشهود است؛ لذا لزوم توجه به الگوهای بومی در ساختار مدیریت شهری بیش‌ازپیش احساس می‌شود. الگوهایی که متناسب با فرهنگ و سنت جامعه تدوین شده باشد و در آن از خودبیبگانگی و احساس عدم تعلق شهروندان کمتر مشاهده شود. پس بهتر است تا با بررسی تحولات گذشته و استخراج نکات مثبت آن که ریشه در عرف و مذهب جوامع شهری ما دارند اصول مدیریت شهرها را از اندیشه‌های نیاکان استخراج کنیم.

۲- سؤال تحقیق

مدیریت شهری در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت از چه جایگاهی برخوردار است؟

۳- فرضیه‌ی تحقیق

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت و جایگاه والای شهر و مدیریت آن در اسلام و ایران می‌بایست الگوی مدیریت شهری بر اساس معیارهای اسلامی و در مرحله‌ی آغازین متناسب با شرایط ایران، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شود.

۴- الگوی اسلامی مدیریت شهری از نظر صاحب‌نظران

اندیشه‌های آرمان شهر ایرانی با ظهور تمدن و هویت ایرانی با تأکید بر عنصر قدرت مرکزی آغاز می‌شود. هروقت و مورخان ایرانی اتفاق نظر دارند که برآمدن دیاکو آغاز زندگی مدنی در ایران است

(رجایی، ۷۳: ۳۰). اندیشه‌های فارابی در ادامه‌ی آرمان‌شهر ارسطو و برگرفته از آرا و عقاید فلسفی یونان است که آرمان‌شهر یونانی را بازخوانی می‌کند؛ همچون آرمان‌شهر فارابی که از لحاظ فلسفی متکی بر امام و فیلسوف به‌عنوان رئیس شهر است و بدون آنکه تجربه‌ی شهروندی را لحاظ کند پیشنهاد شده است. در اندیشه‌های ابن سینا انسان موجودی مدنی بالطبع است و او سعادت معنوی را دائمی و سعادت مادی را زودگذر می‌داند (آکوچیان، ۱۳۸۰). ابن رشد دارای اندیشه‌های فلسفی افلاطون، فارابی و ابن سینا است با این تفاوت که وجه تمدنی و علم‌الاجتماعی آن افزون‌تر است و سعادت معنوی در گفتمان ترقی شهر اصالت دارد و حاکمیت در شهر با عقل و شیوخ است. عدالت اجتماعی عقل مدار و دفاع از حقوق زنان اصل نظام اجتماعی ابن رشد است (همان). ابن خلدون سازمان‌یافتگی بادیه‌نشین (عمران البدوی) را در مقابل سازمان‌یافتگی شهری (عمران الخضری) قرار می‌دهد. عصبیت یا احساس تعلق به یکدیگر و هم‌بستگی قبیله‌ای میان بادیه‌نشینان عامل قدرت و تهاجم سازمان اجتماعی شهر از نظر ابن خلدون است. وی اجتماعی شدن را یک ضرورت برای تقسیم‌کار می‌داند و دلایل زوال شهر را کاهش عصبیت، ظلم حاکمان، افزایش جمعیت شهری، افزایش بی‌بندوباری و فساد و بلایای طبیعی می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۲۵). خواجه نصیرالدین طوسی نقش مردم را در شهر به چندین دسته تقسیم‌بندی می‌کند: تدبیرگران مدینه، فقیهان و واعظان که کارشان ارشاد مردم است، حافظان قوانین عدالت که حق تکلیف بر مردم دارند، پاسداران حریم مدینه یا مجاهدان و فراهم‌کنندگان قوت مردم؛ از طرفی خواجه نصیرالدین طوسی آفت‌های شهری را نیز پنج دسته می‌داند: لذت پریشان، تحریف‌کنندگان قانون آرمان‌شهر، کسانی که قلمروی خود را با زور به دست آورده‌اند و کسانی که از درک قوانین شهری عاجزند. حسین سلطان‌زاده به تأثیر اسلام در ساخت شهرها پرداخته است. به نظر وی بیشتر بناهای مسکونی، تجاری و خدماتی در شهرهای تاریخی کشور، یک یا دوطبقه بوده‌اند و در نتیجه شهر از یک خط آسمان صاف و هموار برخوردار بوده است و تنها مساجد و سایر بناهای بزرگ مذهبی از ارتفاع بیشتری نسبت به بناهای مجاورشان برخوردار بودند و به‌عنوان عنصر شاخص شهرهای اسلامی محسوب می‌شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲). با مطالعه‌ی سیر تکوین شهر اسلامی در گذر زمان در ایران پس از اسلام و نیز فلسفه‌ی شکل‌گیری این شهرها که توسط اندیشمندان ایرانی و اسلام‌یابان شده است، می‌توان دریافت که مدیریت واحد و متمرکز و نیز اولویت دادن به خداوند و مرکزیت مسجد در هسته‌ی اولیه‌ی تمام شهرها اولین اصل در فضای شهر اسلامی است. فضاهای معنوی ناشی از ارتباط خداوند با انسان در جلوه‌ی طبیعت (باغ و بوستان، نقش آب و هنر و تجلی آفرینش خداوند در طبیعت) نیز بعد از محوریت خداوند نمود می‌یابد (در شهرهای ایرانی با شکل‌گیری مکتب اصفهان و تقویت تشیع قوت یافت). هسته‌ی سوم مراکز فرهنگی و حاکمیتی (آموزشی، تعلیم و تربیت، مراکز حکومتی) است؛ سپس معیشت (بازار) شکل گرفته و در نهایت محله‌های مسکونی در کنار شریانی که منتهی به مرکز محله (مسجد) می‌شود، متجلی می‌شوند. در تعریف حد یک محله نیز بنا به گفته‌ی پیامبر (ص) برای احسان به یتیمان محدوده‌ی محله چهل زرع یا چهل خانوار ذکر شده است (نقی زاده، ۱۳۷۷) که محدوده‌ی همسایگی و هم‌جواری را شکل می‌دهند.

۵- تعاریف مفاهیم

۵-۱ مفهوم پیشرفت

واژه‌ی پیشرفت برابر واژه‌ی توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه‌ی واژه‌ی development است و از ادبیات علمی غرب گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تعریف و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه‌ی پیشرفت به جای توسعه، پرهیز از بار بینشی و ارزشی است که همراه با واژه‌ی توسعه است. در تعریفی عام که بر اساس همه‌ی بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب؛ بر این اساس الگوی پیشرفت باید دارای سه نکته باشد:

الف) تحلیل وضعیت موجود؛ ب) تبیین وضعیت مطلوب؛ ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب.

الگوهای پیشرفت دست‌کم در یکی از این سه نکته با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوهاست؛ چیزی که از آن با عنوان متاپارادایم الگوهای توسعه یاد می‌شود. برای نمونه بر اساس مکتب لیبرالیسم که معتقد به دئیسم، اصالت ماده، اصالت تجربه، اصالت فرد و ... است، پیشرفت را به

گونه‌ای معنا خواهیم کرد و بر اساس مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی به مفهوم دیگری از پیشرفت خواهیم رسید. در این مقاله مفهوم اسلامی بودن الگو به تفصیل شرح داده می‌شود.

۵-۲ مفهوم اسلامی بودن الگو

الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد. تفاوت در این مبانی و چارچوب‌ها موجب تفاوت در بیان و تحلیل وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و راهبردها می‌شود. برای نمونه به برخی از این تفاوت‌ها بین لیبرالیسم و اسلام اشاره می‌شود:

در هستی‌شناسی اسلامی واقعیت به دو قسم مادی و مجرد تقسیم می‌شود و جهان از دو نظام علی و معلولی مادی و مجرد تشکیل شده است که با یکدیگر هماهنگ‌اند و تدبیر هر دو به دست خداوند متعال انجام می‌شود؛ اما در لیبرالیسم واقعیت مجرد وجود ندارد. اصالت ماده نتیجه‌ی اصالت تجربه‌ی حسی است که تجربه‌گرایان به آن معتقدند و نوع و قلمرو موضوع مورد شناخت را تعیین می‌کند (مجموعه سخنرانی‌های نشست الگوی ایرانی - اسلامی ۱۳۸۹: ۶۳). در مبانی معرفت‌شناختی، لیبرالیسم معتقد به تجربه‌گرایی است. تجربه‌گرایان در مورد تجربه‌گرایی جان لاک، ابزار شناخت و قلمرو هر یک، با یکدیگر اختلاف دارند؛ برای مثال برخی حس را ابزار شناخت دانسته و معتقد هستند عقل بر روی

شناخت‌های حسی تأمل می‌کند (راسل، 1373: ۸۴۱-۸۴۲)

۵-۳ مفهوم ایرانی بودن الگو

برای اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن دو وجه قابل تصور است:

۱- اتصاف الگوی مزبور به ایرانیت بدین لحاظ است که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را به دست آورده است. اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود ولی این ملت ما بود که توانست یا می‌تواند این الگو را از منابع اسلامی استخراج کند. در این صورت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی جهان‌شمول و ثابت برای جوامع اسلامی است که در برابر الگوی توسعه‌ی غرب مطرح می‌شود. این الگو از بخش ثابتات منابع اسلامی به دست آمده و نشان‌دهنده‌ی مسیر تمدن اسلامی است. در این صورت الگوی مزبور الهام‌بخش جهان اسلام خواهد بود و هر کشور اسلامی می‌تواند این الگو را بر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود منطبق کند؛ چنین الگویی می‌تواند سند بالادستی تمام برنامه‌ها، سیاست‌ها و حتی سند چشم‌انداز بیست‌ساله باشد.

بی‌تردید این الگو نمی‌تواند مشتمل بر عناصر زمانی و مکانی باشد و لذا در سه محور ترسیم وضعیت مطلوب، آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه‌ی راهبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنها به عناصر ثابت و جهان‌شمول زیر خواهد پرداخت:

الف- ترسیم وضعیت آرمانی بر اساس آموزه‌ها و احکام اسلامی؛

ب- اصول روشی ثابت برای تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود. این اصول باید مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی باشد؛

ج- ارائه‌ی اصول راهبردی ثابت برای تغییر وضعیت موجود به مطلوب.

۲- به لحاظ اینکه الگوی توسعه‌ی اسلامی با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده‌شده است، ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد (مجموعه سخنرانی‌های نشست، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، ۱۳۸۹: ۷۹).

۵-۴ تعریف مدیریت

مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است (رضاییان، ۱۳۷۶: ۶) مفهوم مدیریت شهری در تعاریف کل‌نگر از مفهوم صرف اداره‌ی امور شهر فراتر می‌رود و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعال‌تری در توسعه‌ی شهر پیدا می‌کند. در این نگرش مدیریت شهری مسئولیتی راهبردی تلقی می‌شود که ضرورتاً با نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز همراه است و به همین دلیل تعامل آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر می‌شود (سنایی راد، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

مدیریت شهری عبارت از سازمان‌دهی عوامل و منابع برای پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان شهر



است ... هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی است (تصرافی و دیگران، ۱۳۷۹: ۸۱).

۶- اهداف مدیریت شهری

مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۴۶).

۷- عناصر حاکمیتی در مدیریت شهری در دوران اسلامی

با توجه به سیر تحول نظام مدیریت شهری در ایران عوامل گرداننده‌ی شهرها بسته به ایدئولوژی‌های حاکم بر مدیریت کلان کشور و نیز وسعت و اهمیت شهر به درجات و وظایف متعددی تقسیم‌بندی می‌شدند که ردپای آن در شهرهای امروزی نیز کمابیش وجود دارد؛ لکن عمده‌ترین عوامل نظام مدیریت در شهرهای اسلامی عوامل زیر است.

۱-۷ حاکم

در رأس تمام مسئولان و مدیران شهر، حاکم یا امیر هر ولایت قرار داشت. او اختیارات گسترده‌ای داشت و بر تمام سازمان‌ها و نهادهای اداری و قضایی قلمرو نظارت می‌کرد. بیشتر حاکمان از میان شاهزادگان، امیرزادگان و بزرگان انتخاب می‌شدند. او گذشته از شهر به مناطق تابعه نیز حکومت داشت. انتخاب، نصب و عزل مسئولان دیوان مظالم، کارکنان دفتر ثبت‌اسناد و رسیدگی به قباله‌های املاک و نظارت بر کار عسس، محتسب و نرخ بازار با او بود. کارهای عمرانی تحت نظارت او انجام می‌گرفت و مراقبت از وضع باروی شهر، پل‌ها و بناهای عمومی نیز با او بود؛ همچنین به رئیس شهر در انجام خدمات یاری می‌کرد که گویا در آن عهد تعیین نرخ اجناس و رسیدگی به امور اصناف بود. خارج از شهر نگهداری و حفاظت از جاده‌های بازرگانی و نیز مراقبت از کاروان‌ها در برابر خطر راه زنان نیز از وظایف او به شمار می‌رفت (کاظمیان، ۱۳۷۷: ۱۵).

۲-۷ رئیس شهر

از دوره‌ی حکومت ترکمانان در قرن نهم هجری تا دوره‌ی صفویه منصبی با عنوان کلانتر شهر به وجود آمد که پس از حاکم یا امیر عهده‌دار مسائل و امور داخلی بود و تحت نظارت حاکم کار می‌کرد. رسیدگی به امور اجتماعی و اقتصادی و امور خدماتی که امروز در حیطه‌ی اختیار شهرداری‌هاست بر عهده‌ی وی بود. کلانتر مسئول رسیدگی به امور اصناف و انجمن‌های صنفی، محله‌های شهر، تقسیم‌کارهای اجتماعی و شهری بین زبردستانش، تعیین سهم مالیات هر صنف و گروه و نحوه‌ی

پرداخت آن و کارهایی از این قبیل بود. وی مالیات اصناف و بنیچه هرکدام از پیشه وران را با کمک شخص سومی موسوم به نقیب که مهتر اصناف بود انجام می داد (اشرف، ۵۷: ۵)؛

۷-۳ کدخدا

در سطح محلات شهر کدخدا وجود داشت که بیشتر از میان محترمترین و ثروتمندترین افراد محل برگزیده می شد. از آنجاکه کدخدا با وضعیت اقتصادی و اجتماعی اهالی محله آشنا بود در زمینه مسائل اقتصادی و اداری از طرف کلانتر و حاکم با او مشورت می شد و از او خواسته می شد تا مالیات‌ها یا هزینه‌های دیگر را بین اهالی تقسیم و از آن‌ها وصول کند (کاظمیان، ۸۸: ۱۴۷)؛

۷-۴ محتسب

اختیارات گسترده‌ای داشت. زمینه‌ی فعالیت او را می توان مذهبی و اقتصادی دانست. امر به معروف و نهی از منکر می کرد و هر جا خم‌های شراب می یافت آن‌ها را می شکست و خرابات را تعطیل می کرد. در زمینه اقتصادی نیز به تعیین نرخ اجناس می پرداخت و بر قیمت آن‌ها نظارت داشت. رسیدگی به کیفیت غذاها، سرکشی به گرمابه‌ها و فضاها، عمومی شهر نیز از دیگر وظایف او بود. بیشتر محتسبان در محل نزدیک بازار و یا داخل آن به ویژه در چهارسوق‌ها مستقر بودند. در سده‌های نخستین هجری محتسبان از میان عالمان و فقیهان برگزیده می شدند تا با امور و احکام شرعی آشنا باشند و بتوانند از عهده‌ی وظایف برآیند. پس از حمله‌ی مغول به ایران رفته‌رفته از قدرت و اختیارات محتسبان کاسته شد؛ اما در دوره‌ی قاجار اداره‌ای به نام احتسابیه تشکیل شد که دو شعبه‌ی احتساب و تنظیف داشت. این اداره را می توان نخستین گام برای ایجاد شهرداری به شکل امروزی در ایران دانست. این اداره متشکل بود از تعداد معدودی میراب که وظیفه‌ی آنان از یک سو تقسیم آب به محلات شهر و از سوی دیگر نصب تعدادی فانوس بر سر گذرها برای تأمین روشنایی شهر بود؛ در ضمن آب‌پاشی معابر عمومی از جمله وظایف آن محسوب می شد (فریودی، ۶۲: ۵)؛

۷-۵ عسس

امور انتظامی شهر بر عهده‌ی عسس بود. او وظیفه داشت هنگام شب در بازار و محله‌های شهر به گشت زنی بپردازد، افراد مظنون را دستگیر و از آن‌ها بازجویی کند. عسس‌ها در مقابل سرقت اموال شهرنشینان مسئول بودند و در صورت وقوع سرقت باید اموال دزدی را پیدا کرده یا خسارت آن را به صاحبش می پرداختند. سرپرست عسس‌ها میر شب یا میر عسس نام داشت (اشرف، ۵۷: ۵)؛

۷-۶ داروغه

اگرچه وظایف داروغه تا پیش از دوره‌ی صفویه بیشتر لقب حاکم شهر بود اما از آن دوره به بعد



امور انتظامی و مراقبت از رعایت قوانین به‌طور خاص بر عهده‌ی داروغه گذاشته شد. این سمت در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه از میان رفت و به‌جای آن نظمیه‌ی تهران به کمک کارشناسان خارجی تأسیس شد (همان: ۵)؛

۷-۷ قاضی

در ابتدا که تشکیلات اداری استحکام و گسترش زیادی پیدا نکرده بودند، حاکم شرع به تمام امور قضایی رسیدگی می‌کرد؛ اما در پی گسترش شهرها و افزایش مسائل مورد اختلاف، برخی از دعاوی و مشکلات ساده یا جزایی به مقامات دیگر واگذار شد و به‌این ترتیب به‌تدریج سه نوع محکمه به وجود آمد. اول محاکم شرع که تحت نظر حکام شرع اداره می‌شد و در آن‌ها به دعاوی قضایی، عقود، خریدوفروش، ازدواج، طلاق و مسائل مهم دیگر رسیدگی می‌کردند؛ دوم محاکم عرف که در آن‌ها به امور جزایی از قبیل جرح و قتل، سرقت و غارت رسیدگی می‌شد و قضات جزایی و داروغه‌ها تحت نظر دیوان‌بینگی که ناظر کل عدلیه بود، مسئولیت رسیدگی به امور مزبور را بر عهده داشتند؛ سوم محاکم حسبت که در آن به امور اوزان و نرخ‌ها و برخی از مسائل صنفی و شهرداری رسیدگی می‌شد و مسئولیت آن با محتسب بود (شیعه، ۶۵:۲۵).

۸- تاریخچه و شیوه‌ی اداره‌ی شهر در ایران

که در جدول شماره‌ی (۱) به‌صورت خلاصه از قبل از اسلام تاکنون مشاهده می‌شود.

جدول ۱: خلاصه سیر تحول نظام مدیریت شهری در ایران

قبل از اسلام	۱- شکل‌گیری شهرها؛ ۲- تمدن بین‌النهرین؛ ۳- شکل‌گیری دولت‌شهر یونانی، (پارت) شهر مردمی؛ ۴- تشکیل دولت‌شهر ایرانی (پارسی) وابسته به حکومت مرکزی.
ورود اسلام تا قبل از صفویه	رتبه‌بندی شهرها بر اساس جمعیت و وسعت، شکل‌گیری سازمان‌های قضایی؛ شهر اسلامی، تشکیل ساختار مدیریت اولیه مبتنی بر دولت‌شهر اسلامی، شکل‌گیری بازار، محله و میدان، ظهور سبک خراسان.
صفویه تا جنبش مشروطه	صفویه: رشد شهرنشینی، بروز اعتقادات قوی مذهبی (شیعه) در شهرسازی، دوران فترت شهرهای ایرانی؛ قاجار: جانمایی عرف بجای شرع، قوت گرفتن نهاد حسبه.
جنبش مشروطه تا پایان پهلوی اول	تأسیس بلدیه، تهیه‌ی نظام‌نامه‌ی بلدیه، ورود الگوهای غربی به مدیریت شهری، تصویب و اجرای قوانین صرفاً کالبدی در مدیریت شهرها برای تغییر ارگانیزم موجود، نظام‌مند شدن فعالیت‌های مدیریت شهری، تغییر نام بلدیه به شهرداری.

<p>ایجاد ساختارهای جدید در حوزه‌ی نظارت بر مدیریت شهری و تهیه طرح‌های توسعه‌ی شهر، تشکیل نهادهای مدیریت کلان و نظارتی برای تهیه‌ی ضوابط و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی برای برنامه‌ریزی و کنترل توسعه‌ی فضاهای شهری.</p>	<p>پهلوی دوم</p>
<p>ادامه‌ی روند تهیه‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری، شورایی شدن مدیریت شهری، تدوین برنامه‌های راهبردی در حوزه‌ی مدیریت شهری، توجه به الگوی ایرانی اسلامی در مدیریت شهری برای جلوگیری از کمرنگ شدن هویت شهری.</p>	<p>بعد از انقلاب</p>

(<http://www.shahrsazionline.com>)

۹- رویکرد الگوی ایرانی اسلامی در مدیریت شهری در برنامه‌های فرادست

باگذشت حدود یک‌صد سال از تنظیم اولین قانون نظام مدیریت شهری در ایران و الگوبرداری آن از کشورهای غربی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به‌تدریج زمینه‌ی بومی‌سازی فرآیند مدیریت شهری با توجه به دستیابی به دانش و تجربه‌ی داخلی آغاز شد و نیز استفاده‌ی بیش‌ازحد از معماری غربی با فرمایشات مقام معظم رهبری و درک مسئولان در کشور شکل گرفت؛ لذا اولین برنامه‌ی توسعه‌ی کشور بر لزوم به‌کارگیری هرچه بیشتر از دستاوردهای ملی مذهبی تنظیم شد. قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم جمهوری اسلامی ایران (۹۴-۹۰) ازجمله مهم‌ترین برنامه‌های توسعه‌ی کشور طی یک برنامه‌ی پنج‌ساله است که در مواد زیرمجموعه‌ی آن تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی و شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی را در دستور کار خود قرار داده است؛ ازجمله مهم‌ترین مواد این برنامه که به‌صراحت به موضوع مدیریت شهری در قالب الگوی ایرانی اسلامی می‌پردازد ماده‌ی ۸ برنامه‌ی پنجم است که دستگاه‌های متولی ازجمله شهرداری‌ها و وزارت راه و شهرسازی را مکلف به در نظر گرفتن فضاهای موردنیاز برای عناصر هویت‌بخش به شهر اسلامی به شرح زیر کرده است.

۹-۱ فرهنگ ایرانی اسلامی

ماده‌ی ۱: دولت موظف است با همکاری سایر قوا، الگوی توسعه‌ی اسلامی ایرانی را که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها برمدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد تا پایان سال سوم برنامه تدوین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه‌ی برنامه‌ی ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد؛

ماده‌ی ۶: برای توسعه‌ی فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظفاند در طراحی



و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌ها و شهرهای جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه‌ی عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند؛

ب- مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدیدالاحداث موظف‌اند نمازخانه‌ی مناسبی را در اماکن مذکور احداث کنند. تأیید نقشه‌ی مجتمع‌های مذکور منوط به پیش‌بینی محل مناسب برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی است؛

ج- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام کنند؛

د- کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی و مجتمع‌های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

۹-۲ اصول حاکم بر مدیریت شهری اسلامی

با توجه به رشد شهرنشینی و ورود دانش غربی در حوزه‌های مطالعاتی و اجرایی به شهرهای اسلامی به تدریج شاهد از بین رفتن مدینه و بلد و ... و تبدیل آن به متروپل‌ها، مگالاپلیس و مگاسیتی و ... هستیم؛ این در حالی است که خاورمیانه با اینکه خواستگاه تمدن مادی و معنوی بشر بوده از کاروان توسعه بازمانده است و هرچند آخرین دین خداوند در این منطقه ظهور یافته و هنوز با این هویت شناخته می‌شود لکن در حال حاضر خاورمیانه با چالش‌هایی همچون بحران هویت، آشفتگی کالبدی، نبود الگوی شهرسازی پایدار، آلودگی‌های زیست‌محیطی، فقر و عدم بالندگی اقتصادی، مشکلات مسکن و اسکان غیررسمی، مشکلات ترافیک و ازدحام جمعیت، کمبود فضاهای خدماتی، مشکلات عدم امنیت و جرم، مشکلات روحی و روانی، مشکل مشرفیت و عدم تقارن بناها و منظر نامناسب و ... مواجه است. آنچه بیش از همه چیز در شهرهای اسلامی خودنمایی می‌کند تکیه بیش‌ازحد شهرسازان و مدیران شهری به نظریه‌های غربی است که بنیان فکری و دینی منبعث از جامعه‌ی اسلامی را به تدریج به دست فراموشی می‌سپارد و مانع از شکل‌گیری تفکر و مکتب شهرسازی مستقل می‌شود. این در حالی است که منابع ارزشمندی در تمدن اسلامی وجود دارند که می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز جوامع شهری مسلمان باشند. این مهم در شهرهای ایران که حاکی از به‌کارگیری قوانین و فرمان‌های اسلامی در شهرسازی است کاملاً مشهود است که در زیر به برخی از اصل‌های مهم مدیریت شهری اسلامی اشاره می‌کنیم.

۹-۲-۱ اصل کرامت انسان

کرامت ویژگی نوع انسانی است و اختصاص به هیچ فرد و گروه خاصی ندارد. یکایک انسان‌ها از

کرامت بهره‌مند بوده و همگی آنان در برخورداری از این صفت برابر و مساوی‌اند و منشأ این کرامت نیز صرفاً انسان بودن و فرزند آدم بودن است. نمونه‌ی کاربرد آن در تنظیم و تسبیق روابط شهری و شهروندی است. وضع و تدوین قوانین حاکم بر حوزه‌ی مناسبات شهری و تصویب طرح‌ها و پیشنهادهای ناظر به نهادها در شهرهای اسلامی باید تماماً بر پایه‌ی کرامت انسانی صورت پذیرد؛ زیرا در جامعه‌ای که بر مبنای آرمان‌شهر اسلامی برپاشده هر نوع تقنین و تصویب و سامانه‌ی منافی با کرامت انسانی ملغی و بلااثر است. مناسبات مدیران و نهادهای مدیریتی و عوامل اجرایی با شهروندان، اعمال خدمات بهداشتی، درمانی، تفریحی، زیستی و همچنین خدمات‌رسانی به نیازمندان و طبقات بهره‌مند از اعانات هم باید با رعایت اصل کرامت صورت پذیرد.

۹-۲-۲ اصل عدالت

شاید بتوان یکی از شاخص‌ترین اصول بنیادین الهی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه‌ی تعاملات اجتماعی را اصل عدالت دانست؛ «ای اهل ایمان درراه خدا پایدار و استوار بوده و شما گواه عدالت و راستی و درستی باشید» (مائده، ۸). اهمیت ذاتی عدالت بر روند حرکت جامعه، امیدآفرینی، نشاط‌آوری و پویایی‌سازی تأثیر به‌سزایی دارد؛ لذا وضع قوانین و مصوبات و هرگونه واگذاری و سلب مسئولیت، تنبیه و تشویق، توزیع امکانات و تخصیص درآمدها و امکانات و خدمات شهری بایستی با در نظر گرفتن این اصل باشد؛

۹-۲-۳ اصول اخلاقی و انسانی

اصولی که در این قسمت بدان‌ها پرداخته می‌شود، عمدتاً در حوزه‌ی اخلاق و روش‌های انسانی قرار دارند. این اصول که در فضای برآمده از اصول بنیادین شکل گرفته‌اند، هرچند بازتاب‌های حقوقی نیز دارند لکن شاخص‌ترین انگاره‌های آن‌ها اخلاقی و انسانی بودنشان است؛ به همین دلیل از آنان به‌عنوان اصول اخلاقی و انسانی یاد می‌کنند. اصل تساوی و برابری آحاد جامعه در حدود، حقوق و تکالیف، اصل ممنوعیت اعانت بر بدی، اصل ممنوعیت زیان رساندن به دیگران، اصل لزوم احترام به مقدسات و ممنوعیت اهانت به آن‌ها، اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر از مهم‌ترین اصول اخلاقی و انسانی است؛

۹-۲-۴ اصل استحکام و استواری شهر

در توصیف شهر در برابر هجوم تخریبی در قرآن کریم آمده است «آنان جز در قریه‌هایی که دارای استحکام‌اند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگی» (حشر آیه ۱۴)؛ لذا مسلمانان مکلف به ایجاد استواری، استحکام همبستگی اجزاء و دژوارگی در شهرهایشان شده‌اند. این اصل باعث تقویت امنیت و اطمینان در شهر اسلامی می‌شود و رعایت آن در ساخت بنا و بافت شهری قابل پیاده‌سازی است؛



۹-۲-۵ اصل نظم سنتی شهر اسلامی

«آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت» (ملک آیه‌ی 3 و 4). نظم در مدیریت و کالبد شهرهای اسلامی علی‌رغم بافت اندامواره‌ی آن حاکی از توجه به این اصل در طی دوران مختلف است. فضاها‌ی سنتی به لحاظ وحدت میانی و اصول خویش، ذهن را به سمت واحد هدایت می‌کنند و در نتیجه موجب تمرکز و آرامش ذهن انسان می‌شوند و این موضوع را می‌توان در سادگی، نظم و تقارن مصنوعات سنتی مشاهده کرد که با ظرفیت خاصی طراحی شده‌ان؛

۹-۲-۶ اصل امنیت

شهر به‌عنوان مأمنی برای شهروندان است. خداوند سبحان در آیه‌ی ۱۱۲ سوره ینحل می‌فرماید «و خداوند شهری را مثال می‌زند که ساکنان در آن امن و آسوده به سر می‌برند». در تفسیر این آیه در جلد ۱۴ تفسیر المیزان آمده است که خداوند صفات شهر ایمن را به همراه اطمینان و توسعه بیان می‌کند و امنیت در مقابل سوانح طبیعی، حوادث شوم بشری، بهره‌برداری از نعمات طبیعی و غیره برای میل به کوچ دیگر جوامع به شهر اسلامی فراهم شود؛ بر این اساس حتی تعرض به غیرمسلمانان در قالب حق ذمه در شهر اسلامی نهی شده است (توبه، ۶)؛

۹-۲-۷ اصل مکان‌یابی مناسب شهر و کاربری‌های شهری

امیرالمؤمنین می‌فرماید «اگر خداوند خانه خود را در میان باغ‌ها، نهرها، سرزمین‌های سبز، هموار و پردرخت، مناطقی آباد و کاخ‌هایی بلند و میان گندم‌زارها و دارای مناظر زیبا و شادی‌آفرین و جاده‌های آباد قرار می‌داد به همان اندازه از پاداش آن نیز کاسته می‌شد» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲)؛ لذا در این خطبه و نیز آیات قرآن و سایر احادیث در وصف جنات از جمله توصیفات شهر در دیدگاه اسلامی به این شرح است: قرار گرفتن شهر در جغرافیای طبیعی مناسب (میان باغ، بستان، جویبارها، دشت‌های پهن و کوه‌ها) سرزمین عاری از لرزه، برخورداری از انبوه درختان، پیوستگی و نزدیکی به شهرها و آبادی‌ها، برخورداری از چشم‌انداز و مناظر زیبا، برخورداری از منابع آب فراوان، خاک خوش‌بو (اشاره به خطبه‌ی ۹۳ امیرالمؤمنین که خاک شهر بصره را بد نوع‌ترین خاک و از همه‌جا نزدیک‌تر به آب و دور از آسمان نامید) وجود راه‌ها و جاده‌های آباد، فاصله‌ی مناسب از دریا. از طرفی دیگر ضرورت وجود طبقات و صنوف مختلف اجتماعی برای جامعیت بخشیدن به شهر و جلوگیری از آسیب‌پذیری جامعه (این موضوع در مقابله با تخصصی شدن صرف شهرها قرار دارد) و عدم امکان اصلاح یک گروه بدون دیگری از نکاتی است که در نهج‌البلاغه به آن تأکید شده است؛

۹-۲-۸ اصل حفاظت محیط‌زیست

از جمله مهم‌ترین آیاتی که در قرآن صراحتاً به حفظ محیط‌زیست اشاره نموده: «خداوند شما را از زمین خلق کرد و شما را مأمور آبادانی آن نمود» (هود، ۶۱). اهمیت حفاظت از محیط‌زیست شهر در راستای توسعه‌ی پایدار شهر و همچنین در برقراری اصول دیگر همچون امنیت، اطمینان و توسعه بسیار حائز اهمیت است؛

۹-۲-۹ اصل زیبایی

در آموزه‌های دینی، روح نفخه ذات الهی بوده و خود را وابسته به او می‌داند و با هر موجودی که نشانی از او داشته باشد انس و آرامش می‌گیرد؛ بهترین نشان صفت جمال الهی است که «ان الله جمیل و یحب الجمال». در منظر معارف اسلامی علاوه بر این که جهان، تجلی زیبایی خداوند است نشانه‌ی بارز از زیبایی در صورت ماده و معنی معرفی شده است تا انسان راه وصول به اصل خود را فراموش نکند. زیبا آفرینی رنگ‌ها یکی از نمودهای زیبایی در فرهنگ زیباشناسی قرآن است. زیبایی رنگ‌ها چه به صورت فرد و چه به صورت ترکیب مورد توجه است: «آیا ندیدی که خداوند از آسمان آب را فرستاد؛ پس بیرون آوردیم از آن میوه‌هایی با رنگ‌های مختلف و زیبا و از کوه‌ها نیز جاده‌های آفریده شده، سفید و سرخ و رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه». این نقاش چیره‌دست با قلمی و مرکبی (آب) انواع نقش‌ها را چنان ابداع کرده که بینندگان را مجذوب و شیفته‌ی خود می‌کند؛

۹-۲-۱۰ اصل حفظ حریم

حریم چیزی است که منع شده است؛ بنابراین نباید بدان دست یازید و تماس با حریم حرام است (لسان العرب، ج ۱۲: ۱۲۰). بر قانون‌گذار است تا از حریم‌های عمومی (حریم چشمه، چاه، قنات، محیط‌زیست، زمین‌ها و ...)، حریم‌های خصوصی (منازل و باغات و ...)؛ و نیز حریم‌های سوانح طبیعی (سیل، گسل، جاده‌ها، راه‌آهن و ...) صیانت کند و آن را برای توسعه‌ی آتی شهر منظور کند. مالکیت‌های پدید آمده از راه‌های مشروع و قانونی نیز محترم‌اند و یکایک شهروندان ملزم به رعایت مالکیت مشروع دیگران‌اند و هیچ‌کس بدون اذن و رضایت مالک حق هیچ‌گونه تصرفی در اموال دیگران ندارد مگر به حکم قانون و مرجع قانونی مجاز؛ لذا مدیریت شهری اعم از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مکلف به رعایت حریم مالکیت فردی و عمومی است مگر در تضاد این اصل با اصل اضطرار که اصل احترام به مالکیت را تخصیص و مقید می‌کند؛

۹-۲-۱۱ اصل وقف و فضای عمومی

وقف در نظر گرفتن فضاهایی است که استفاده از آن جنبه‌ی عام‌المنفعه داشته باشد و از جمله مفاهیم دینی است که ملل مختلف به‌ویژه ایرانیان قدیم به آن پای‌بند بودند. آتشکده‌ها، کتیبه‌ها،



کلیساهای، صدقات جاری و اوقاف ضامن تداوم شهرها بوده‌اند. دیوان وقف از اولین ساختارهایی بود که پیامبر در شهر به وجود آورد تا فضاهای عمومی دستخوش تصرف قرار نگیرند و وظیفه‌ی آن نگهداری از موقوفات بود. دیوارهای استحکامی شهر، مراکز تعلیم آموزش، قبرستان‌ها، مساجد، سنگرها، حمام‌ها، معابر و راه‌ها، کاروانسراها، آبشخورها، بیمارستان‌ها و غیره از جمله فضاهای وقفی در شهر بودند که متعلق به عموم شهروندان به شمار می‌آمدند (شهبازی، ۱۳۴۳: ۲۰۳)؛

۹-۲-۱۲ اصل رفاه

امام صادق (ع) می‌فرماید «بهترین یاری‌رساندن بر تقوا بی‌نیازی است». پیامبر اکرم نیز می‌فرماید «آن‌کس که معیشت او ناستوار است دین و آخرتش تباه است» (سنایی راد، ۱۳۸۷: ۱۸۱)؛ لذا تأمین رفاه شهروندان بایستی از دیگر اهداف بنیادین مدیریت شهری باشد؛

۹-۲-۱۳ اصل لزوم احترام به مقدسات و ممنوعیت اهانت به آن‌ها:

امیرالمؤمنین در عهدنامه‌ی مالک اشتر می‌فرماید «بر رعیت با محبت حکومت بران که آن‌ها یا برادران دینی تو هستند یا هم سانان تو در خلقت و آفرینش»؛ لذا احترام به اماکن مقدس و جلوگیری از اهانت به آن‌ها، متعلق به هر دین و مذهبی که باشند از جمله وظایف مدیریت شهری است (نهج‌البلاغه، ج ۳: ۸۴).

۱۰- نتیجه‌گیری

با بررسی آنچه گفته شد می‌توان دریافت که علی‌رغم نقاط عطف متعددی که در طول تاریخ مدیریت شهری در ایران را تحت تأثیر قرار داده است عمده‌ترین تحولات کنونی پس از بسط شهرنشینی در کشور استفاده از الگوهای غیربومی برای رهایی سریع از مشکلات شهرها بوده است؛ درحالی‌که در ادبیات مدیریت شهری برگرفته از سیر تحولات گذشته می‌توان به غنای ارزشمند فقه، سنت و عرف در این حوزه پی برد. این در حالی است که سایر کشورهای اسلامی لااقل ساختار حکومتی متمرکز خود را تا حد زیادی حفظ کرده‌اند و مدیریت شهری در آن‌ها از اختیارات گسترده‌تری در مقایسه با مدیریت شهری در کشور ما برخوردار است. مرکزیت قرار دادن خداوند در شهرها و توجه به خواسته‌های انسانی که نمود آن هم در کالبد و هم در ساختار مدیریت به‌عنوان یک اصل بوده و لزوم ساخت شهر به دست مسلمانان از دیگر نکات ماندگار در حوزه‌ی مدیریت شهری در طول تاریخ بوده است. توجه به شورایی بودن ساختار مدیریت و تصمیم‌گیری نهایی توسط مدیری که دارای ویژگی‌های خاص در سنت اسلامی است و لزوم اجرای تصمیمات مدیریتی توسط آحاد جامعه و با در نظر گرفتن اصولی از جمله زیبایی، حفاظت محیط‌زیست، مکان‌یابی، امنیت، نظم سنتی شهر اسلامی، استحکام و استواری شهر، اصول اخلاقی و انسانی، عدالت، کرامت انسان و... مبنای توسعه‌ی پیشرفت است و در اسلام به آن‌ها توجه و سفارش

شده است.

منابع

نهج البلاغه.

ابن خلدون، مقدمه. ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی (۱۳۶۹)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. اشرف، احمد. شهرنشینی در ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی (۱۳۵۷). گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

اکوچیان، احمد (۱۳۸۰). نظریه‌ی عمران و توسعه. تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. راسل، برتراند (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه‌ی غرب. ترجمه‌ی نجف دریابندری، تهران، کتاب پرواز. رجایی (۱۳۸۳). فرهنگ مشکل هویت ایرانیان امروز. نشر نی.

سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹). مدیریت شهری. سازمان شهرداری‌های کشور، جلد یازدهم، تهران. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). فضا‌های شهری در بافت تاریخی ایران. انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سنایی راد، عباس‌علی (۱۳۸۷). برخی اصول حاکم بر مناسبات شهرسازی و شهروندی در متون اسلامی. مجموعه‌ی مقالات نخستین.

سنایی راد، عباس‌علی. برخی اصول حاکم بر مناسبات شهرسازی و شهروندی در متون اسلامی. مجموعه مقالات نخستین.

شهبازی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). تاریخچه‌ی وقف در اسلام. دانشگاه تهران.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. انتشارات دانشگاه علم و صنعت. صراف‌ی و دیگران (۱۳۷۹). مفهوم مبانی و چالش‌های مدیریت شهر. فصل‌نامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۲، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.

طباطبایی، محمدحسین. تفسیر المیزان.

فریودی، یوسف (۱۳۹۳). اداره‌ی امور شهرداری‌ها. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. کیایی، اله‌سادات و باباعباسی مهدی (۱۳۹۴). بررسی اصول و قواعد حاکم بر ساختار شهری شهرهای اسلامی به‌منظور دست یافتن و آفرینش آرمان‌شهر ایرانی اسلامی. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی نقش جهان، شماره‌ی ۵.

مجموعه سخنرانی‌های نشست (۱۳۸۹). الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.

نظریان، اصغر (۱۳۷۳). جغرافیای شهری ایران. انتشارات پیام نور.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۹). صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم. مجله‌ی صحیفه‌ی مبین، شماره‌ی

پنجم.

همایش آرمان‌شهر اسلامی ۱۳۷۸. اصفهان.



همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان.

امید، سیاوش. مدیریت واحد شهری ایران. روزنامه‌ی مردم‌سالاری، دوم دی‌ماه ۱۳۸۶ و بیست‌وهفتم آذر

۱۳۸۷.

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۸). مبانی مدیریت شهری. جزوه‌ی درسی، دانشگاه تربیت مدرس.

<http://www.shahrsazionline.com>